

باسمه تعالی

## صورت جلسه دومین نشست علمی - تخصصی گروه علوم سیاسی

(پنجشنبه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۴)

زمان: پنجشنبه چهاردهم تیر ماه ۱۳۸۶ - ساعت ۹ بامداد تا ۱۷ عصر  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - سالن شورا  
اعضای حاضر: آقایان دکتر نامدار، خلجی، قربانزاده، علی قنبری، مهدوی زادگان، اسکندری، قریب  
وحسینی (۱۹/۴۵)

مدعوین حاضر: آقایان دکتر سیدمحمدعلی تقوی، محسن خلیجی، حسین فرزانه پور، محسن خلیلی، و  
وحید سینایی (۱۱/۴۵)، پرویز امامزاده فرد (۱۲)

دستور جلسه: بررسی وضعیت آموزش و پژوهش در حوزه علوم سیاسی در ایران در ابعاد سه گانه

۱. فرهنگ سازی و اعتباربخشی

۲.

۳. بومی سازی و اعتبار بخشی

جلسه صبح رأس ساعت مقرر و با حضور اعضای محترم و مدعوین گرامی آغاز شد.

۱. تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید توسط آقای دکتر خلیجی

۲. گزارش اولیه رئیس محترم گروه آقای دکتر نامدار که در خلال ۱۵ دقیقه مطالبی در  
محورهای زیر ارائه دادند:

- خیر مقدم و خوش آمدگویی به شرکت کنندگان

- جمع بندی مباحث کنگره ملی علوم انسانی (اسفندماه ۱۳۸۵) که به شورای عالی انقلاب  
فرهنگی ارسال گردید.

- نتایج علمی این کنگره پیامدهای مثبتی در پی داشت که در احکام و ضائم مربوط اعضای  
جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی خود را نشان داد. در این ضائم پیوستی سه نکته حائز

اهمیت بود:

۱. تجدیدنظر در ساختار آموزش متوسطه و آموزش عالی کشور

۲. مهندسی فرهنگی کشور

۳. تدوین سند جامع علمی کشور به ویژه در حوزه علوم انسانی

مجموعه این سه بحث ما را در موقعیت مناسب‌تری قرار می‌دهد. بنابراین مقرر شد پژوهشگاه علوم انسانی درباره بندهای ۱ و ۳ اخیر کارهای اساسی و زیربنایی انجام دهد. با این حال، تجزیه و تحلیل محتوای نشان می‌دهد که متاسفانه ۹۵٪ مقالات رسیده به این کنگره به طرح مباحث کلی پرداخته و فاقد راه‌کارهای اجرایی و عملیاتی برای ارتقا جایگاه علوم انسانی در کشور هستند. از این رو، نشست‌های تخصصی برای جبران این کلی‌گویی و تخصصی کردن مباحث برگزار می‌شود.

۴. سخنرانی افتتاحیه آقای دکتر خلیجی که در طول ۲۰ دقیقه مطالبی به ترتیب زیر ایراد نمود:

مساله ما از ورود مجدد به ایران آغاز می‌شود که در واکنش به آن تعدادی دانشجو برای گذراندن دوره‌های تخصصی علوم پایه، فنی و پزشکی به خارج اعزام شدند. در این میان علوم انسانی مغفول ماند و صاحب نظران آن حتی بر روی مقدمات و مفاهیم اولیه هم نیز با همدیگر توافق نظری نداشتند. ما باید تعاریف مختلف را به مفاهیم مشترک ارجاع دهیم و روی مفاهیم اولیه به توافق نظر برسیم. متاسفانه کتابها و مقالات ما فاقد مفاهیم پایه مشترک و بسط و گسترش آن است. صرفاً به خلق مفاهیم و تعاریف و بسط یک طرفه آن بسنده می‌شود.

موضوع سیاست اداره جامعه و رساندن اجزای انسانی آن به مجموعه‌ای اهداف تعیین شده است. این اهداف را باید از کجا استخراج کرد؟ این اهداف متعالی می‌تواند از فرهنگ، نگرش‌ها، باورها، تاریخ، تمدن و دین یک جامعه استخراج شود. در کتابهای مرجع و معروف همواره یک رفت و برگشت میان این فرهنگ و اهداف سیاسی جامعه وجود دارد. سیاست یک مقوله دو رویه است: فن و علم و هنر و حکمت از یک سو و اهداف تاریخی جامعه از سوی دیگر. بنابراین و در واقع، عملیاتی‌ترین حکمت جامعه اهداف سیاسی جامعه است. از این رو، هم سیاست امر پیچیده‌ای است. فرهنگ، دین، تمدن و نگرش جامعه باید به مسایل؟؟؟ و روزانه جامعه تبدیل شود. در این میان، یک هوش و توانایی فوق‌العاده‌ای لازم است که این کیفیات را به کمیات تبدیل شود. سیاست در هیاهوی سیاست کم می‌شود. مسایل داغ سیاست اجازه نمی‌دهد که اندیشه سیاسی جای خود را پیدا کند و دچار کلی‌نگری و کلی‌گویی می‌شود. به طور مثال، در مساله ولایت فقیه هنوز مساله اصلی درگیری میان

قائلان به ولایت فقیه و مخالفان آن است و هیچ کار عملیاتی برای تعیین اجرایی آن نشده است. این بحث در کتابهای درسی متوسطه صرفاً در حد شعار و کلی‌گویی باقی مانده است.

۵. سخنرانی علمی دکتر سیدمحمدعلی تقوی با عنوان «فرهنگ‌سازی و اعتباربخشی» که در مدت ۱۵ دقیقه مطالب خود را بیان کرد.

مسئله‌ای که ما در حال بررسی آن هستیم، امروزه بحرانی فراگیر و جهانی است. علم سیاست با بحرانی روبه‌رو شده است که «بحران مفید بودن» نامیده می‌شود و به نظر روان‌شناسان بحران دوران میان‌سالی انسان است. در ایران، به رغم برخی خط‌قرمزها و در حالی که سیاست‌مداران از اظهارنظرهای علمی اندیشمندان سیاسی دلخوشی ندارند و از ابراز آن نگرانند، در صدد آن هستند که از نقطه نظرات علمی موجود استفاده کنند.

بنابراین، برای مفید بودن ما باید کالاهای جدیدی را در این حوزه برای عرضه داشته باشیم. باید نیازهای موجود را پردازش کنیم که این مسیر مستلزم پوست‌اندازی است. مسایل جاری جامعه مانند مسکن، سهمیه بندی بنزین، عدالت اجتماعی، سهام عدالت و ... مسایلی هستند که میدان کار برای علوم سیاسی را فراهم می‌کند. در این راستا پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- جزئی شدن و تخصصی شدن علوم سیاسی به ویژه در دوره کارشناسی ارشد زیر در دوره کارشناسی تنوع زیادی هست و دانشجوی به یک دایره‌المعارف تبدیل می‌شود؛ بدون آن که امکان پردازش آن داده‌ها را داشته باشد که این رویکرد باید تغییر یابد.
- اتخاذ رویکرد مساله محوری که به نظر پرفسور شاپیرو در علم سیاست باید مساله محوری به روح حاکم بر جریان آموزش و پژوهش تبدیل شود.
- در این راستا، تمرکزگرایی به عنوان یک راه‌حل محل تردید است. دانشجوی اولین خریدار کالای ماست و دانشگاه‌ها بهترین مکان برای عرضه داشت کالاهای فکری است.

۵- سخنرانی علمی داود مهدوی‌زادگان با عنوان «تحلیل معرفت‌شناسانه گونه‌های تحقیق در ایران» که در مدت ۲۵ دقیقه مطالبی به شرح زیر ارائه نمود.

- تقسیم‌بندی کلی بحث و ارائه الگوهای تحلیلی (امتناع خلاء)
- پیش فرض: نسبت عالم و معلوم یا عالم و موضوع ← تأثیر و تأثر مستقیم و غیرمستقیم است.
- امتناع خلاء هم در عین است و هم در ذهن ← دخالت دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم

- مطالعات سیاسی را به دو گونه می‌توان تقسیم کرد: اول مطالعات نسبت کاوانه

دوم مطالعات مساله کاوانه

در پژوهش‌های نوع نخست فرد عالم در پی کشف نسبت میان خود و موضوع است در حالی که در پژوهش‌های نوع دوم فرد عالم در پی کشف یافتن مسایل موجود در این حوزه است. تحقیقات نسبت کاوانه منشاء تولید نیستند و مساله‌ای را حل نمی‌کنند؛ بلکه در نهایت مختصات میان فاعل شناسایی و موضوع شناسایی را معین و معرفی می‌کنند. اما در تحقیقات مساله کاوانه امکان شناسایی مسایل و آرایه راه حل وجود دارد.

بر اساس این تیپ‌شناسی، مطالعات سیاسی در ایران شامل هر دو نوع تحقیق می‌شود که خود ناشی از شرایط سیاسی و اجتماعی معاصر ایران است. در این موقعیت دو موج باعث تشتت و تزلزل شده و نوع مطالعات سیاسی را مشخص می‌کند. مطالعات سیاسی نسبت کاوانه معمولاً در شرایط تزلزل و تشتت فکری صورت می‌گیرد. اما در شرایط ثبات و استقرار، مطالعات سیاسی به سوی مساله کاوانه سوق می‌یابد و پیش می‌رود. این دو موج و شرکت تاریخی در ایران عبارتند از ۱. مشروطیت و ورود اندیشه تجدد؛ ۲. انقلاب اسلامی و تلاطم و بحران فکری ناشی از انقلاب. در شرایط این دو شوک مطالعات سیاسی بیشتر به سوی نسبت کاوانه سوق داده می‌شود. زیرا در این بحران‌ها مختصات فکری جامعه به هم خورده است.

به طور کلی در شرایط تشتت فکری سه جریان فکری پدیدار شده است:

۱. جریان مقاومت و پایداری و استواری بر روی مختصات فکری پیشین (جریان فکری سابق)

۲. جریان گسست که از نسبت قبلی گذر کرده و به مختصات جدیدی رسیده است (مانند

سیدجواد طباطبایی)

۳. جریان تبیین که هنوز نسبت آن مشخص نیست و در پی یافتن مختصات جدیدی است

(مانند روشنفکران دینی)

به طور کلی، تحقیقات مساله کاوانه از سوی دو جریان نخست صورت می‌گیرد. زیرا آنها درباره نسبت خودت مساله ندارند و نسبت برایشان مفروض است. دو گروه اول، گروه سوم را به دلیل نداشتن تولیدات فکری نقد می‌کنند. گروه سوم پاسخهایی دارند که معتقد است بدون فهم مختصات فکری نسبت به خویش با جامعه نمی‌توان کاری انجام داد (مانند احمد نراقی در روشنفکری دینی)

به نظر می‌رسد، شک امری لازم است. اما نه برای باقی ماندن. زیرا فرد شکاک چیزی را تولید نمی‌کند. شک برای مرحله‌ای از تحقیق لازم است. مانند کانت که ابتدا مشکوک بود و سپس از آن گذر کرد. این نقد به جریان گسست وارد است که آیا امکان گسست کامل وجود دارد. با توجه به بافت و هویت دینی جامعه. به همین خاطر آنها به ناسزاگویی می‌افتند. نقد گروه اول در بستر درک کامل از مختصات خود و یا فراموشی و خلا آن به مطالعات می‌پردازند و در فضای تحصیلات تاریخی مطالعه می‌کنند. بنابراین تولیدات خوبی ندارند.

دکتر نامدار: این بحث ارایه یک قالب تحلیلی است که جریان‌های فکری را به ما نشان می‌دهد. از این طریق، انواع مقاومت‌ها را به ما نشان می‌دهد.

۶. سخنرانی علمی دکتر محسن خلیلی: بایسته‌های پژوهش و آموزش در علوم سیاسی که در ۱۵ دقیقه ارایه شد. اهتمام دکتر نامدار و همکارانش قابل تحسین است که در صدد پیوند زدن علم سیاست با قدرت سیاسی از طریق یاری رساندن و ارایه طریق به زمامداران سیاسی است. در این فرایند، علم سیاست از حالت مضر بودن خارج می‌شود!

پیشنهاد آموزشی: تعداد واحدهای دوره کارشناسی باید بسیار کم شود. ولی تعداد واحدهای آموزشی ارایه شده باید به حدود ۳۰۰ واحد برسد که از میان آنها تعداد ۷۰ - ۸۰ واحد مصوب علوم سیاسی باشد. وزارت علوم باید حدود ۲۰۰ رشته میان رشته‌ای تأسیس کند که در این میان ۱۲۰ رشته از آن علوم انسانی و ۲۷ رشته از آن علوم سیاسی است. مانند سیاست‌گذاری عمومی، رفتارشناسی سیاسی، نظام‌های انتخاباتی، مطالعات امنیتی، حقوق بشر، مطالعات زنان، مطالعات راهبردی و ... دانشگاه‌های آلمان به لحاظ نظری در حوزه علوم انسانی موفق هستند. در حالی که در ایران نیروی استادان به هدر می‌رود. یک استاد تعداد ۲۰ واحد درسی مختلف را ارایه می‌دهد. نوعی همخوانی و هم‌پوشانی میان مطالب و دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد وجود دارد. به گونه‌ای که دانشجویان بر این باورند که علوم سیاسی چیزی برای ارایه ندارد. در ایالات متحده آمریکا حدود ۳۰۰ واحد درسی ارایه می‌شود که دانشجوی سعی می‌کند دروسی را انتخاب کند که با دروس وی در دوره کارشناسی ارشد هم‌پوشانی دارد. یکی از مهمترین مساله افزودن درس کامپیوتر است.

تقریباً هیچ یک از پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی به درد نهادهای مختلف کشور نخورده است. علاوه بر کامپیوتر، باید به دانشجویان آمار آموزش داده شود. پیشنهاد ۳۰۰ تا ۳۴۰ واحد مصوب که

دانشجویان می‌توانند ۷۰ تا ۸۰ واحد را انتخاب کنند موجب شناور شدن واحدهای آموزشی کارشناسی می‌شود. علوم سیاسی در ایران و در دانشگاه‌های مختلف یکسان و شبیه هم شده‌اند. بنابراین، باید دانشگاه به سوی ویژه فکری روی آورند. مثلاً در استان خراسان بازتاب انقلاب اسلامی در آسیای میانه، شبه‌قاره و افغانستان تدریس شود. ایجاد تناسب میان نیازهای شرایط جغرافیایی و تدریس درس در منطقه هم‌جوار این ویژه فکری و تخصص‌گرایی می‌تواند نیازهای ما را برطرف سازد. مثلاً فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق صرفاً به مسایل حوزه اندیشه سیاسی در اسلام بپردازد و؟؟؟ اقتضائات محلی خود را مدنظر داشته باشد.

دکتر نامدار: طولانی شدن سخنان آقای مهدوی‌زادگان طبیعی است. به نظر می‌رسد خوشه‌های علمی می‌تواند راه کار مناسبی برای حل مشکلات مطرحه باشد. در دو حوزه‌های نظریه پردازی، آموزش و پژوهش.

دکتر خلیجی: نیل به مفاهیم مشترک از راه دروس علمی.

دکتر تقوی: نیازسنجی و راه و روش نشان دادن تاثیر علوم سیاسی و ارایه متاع علمی تازه.

دکتر خلیلی: آقای مهدوی‌زادگان! کدام یک از جریان‌های مذکور به نظریه زمامداری و حکومت می‌رسند.

دکتر مهدوی‌زادگان: به نظر می‌رسد، دو گروه اول به نظریه حکومت رسیده‌اند که دلیل آن ثبات نسبت پایداری مختصات فکری است.

دکتر حسینی: بحث ویژه فکری با بحث بازار و خریدار نسبت نزدیکی دارد. زیرا رشد علم در هر کشوری تناسب آشکاری با رشد کلان آن جامعه نسبت نزدیکی دارد. در کشور ما مقتضای ویژگی وجود ندارد. به طور کلی، ایشان نظریه آقای خلیلی را نقد کرده و منطق پیشنهاد ۷۰ - ۸۰ واحد را جویا شدند. [ به نظر می‌رسد، منطق این بحث کاستن از تنوع دروس و مباحث دوره کارشناسی است ]

دکتر علی قنبری: نظرات دکتر حسینی متین است هر کشوری بر اساس، ماموریت‌های خود دانشگاه و رشته مورد نیاز خود را تاسیس می‌کند و دانشجو در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌پذیرد. در واقع، برای رسیدن به یک هدف مشخص، دانشجو جذب می‌شود. مساله دیگر، روحیه عدم همکاری میان ایرانیان است. دیگر اینکه ما روی امنیت ملی توافق نظر نداریم. بر عکس در آمریکا هم روحیه همکاری وجود دارد و هم روی امنیت ملی حساس هستند.

دکتر خلجی: بر اساس پیش فرض آقایان دکتر خلیجی، دکتر حسینی و دکتر علی قنبری که معتقدند:

۱. پذیرش رابطه میان بسترهای فرهنگی و تمدنی یک کشور و سیاست رایج و نقش اساسی دانش سیاسی در ایجاد رابطه میان این دو متغیر

۲. رابطه میان رشد و توسعه کلان جامعه و رشد و توسعه علمی و دانشگاهی کشور

۳. رابطه میان اهداف و ماموریت‌های کلان کشور و تأسیس دانشگاه و رشته و پذیرش دانشجو در کشور ما ایران، علوم انسانی به طور کلی و علوم سیاسی به طور خاص، رشته‌ای وارداتی است و شیوه‌های آموزش و پژوهش آن متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی و بسترهای فرهنگی جامعه ما نیست. در واقع رابطه مشخصی میان اهداف و ماموریت‌های آن در سطح کلان تبیین نشده است. بنابراین وظیفه این نشست تخصصی تبیین همین روابط و ایجاد کارآمدی مؤثر برای علوم سیاسی می‌باشد.

دکتر خلیجی: ایشان در پی طرح پرسشی که شد منطبق بحث خود را ارایه دادند. وی بر این باور است که هرچقدر واحدهای درسی علوم سیاسی با کمیات کمتر و کیفیات بیشتری ارایه شوند، باعث افزایش کارایی بیشتر این رشته خواهد شد.

گزارش جلسه بعدازظهر

پس از ادای نماز و صرف ناهار جلسه بعدازظهر در ساعت ۱۳/۲۰ آغاز شد که گزارش آن به شرح زیر است.

۱. جمع‌بندی آقای دکتر نامدار از مباحث جلسه صبح

- اعلام آمادگی گروه علوم سیاسی برای اجرای طرح‌های تحقیقاتی مشترک در حوزه مباحث نشست تخصصی

- سه‌لایه اساسی علم سیاست:

۱. پوسته میانی که تولید مفاهیم جدید و نظریه‌پردازی می‌کند.

۲. مغز دانش سیاسی که کار آن تولید الگو و پارادایم است.

۲- سخنرانی علمی دکتر *امام‌زاده‌فرد* با عنوان ظرفیت‌سازی و اعتباربخشی به آموزش و پژوهش در علوم سیاسی ایران از نظر تاریخی، علوم سیاسی سه مرحله را طی کرده است و در هر مرحله دارای یک ظرفیت و اعتبار خاصی بوده و در مرحله آخر، بیشترین ظرفیت و اعتبار را داشته است.

مرحله اول، یونان باستان: الگوی دولت‌شهر که دنباله روی از خیر عامه و شیوه پژوهشی فلسفی (ingury) رایج بود. جهان بینی طبیعی با ظرفیت محدود دولت‌شهری.

مرحله دوم، الگوی جدید غرب: دولت ملی با عملکرد دولت ملی و شیوه تحقیق آن reaserch بود. جهان‌بینی مکانیکی که ظرفیت آموزش و پژوهش آن محدود بود.

مرحله سوم، الگوی معاصر غرب، سیاست به صورت شکل‌گیری و پیاده شدن خط مشی‌های عمومی است. سیاست به صورت public policy مطرح است. دولت ملی کمرنگ شده است؛ شکل تحقیق هنوز reaserch است. ولی شیوه کلی‌گرایی یا holelism است و جهان‌بینی سایبرنتیک بر آن حاکم می‌باشد. در این دوره، ظرفیت‌های پژوهش و آموزش افزایش یافته و ظرفیت سیستمی پیدا کرده است. ظرفیت نمادین، توزیعی، ترمیمی، استخراجی، و تلفیقی. به عبارت دیگر، برای افزایش ظرفیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی در ایران باید آن را به صورت خط مشی عمومی در آورد. در حالی که دیدگاه‌های اول و دوم رایج است. سیاست به عنوان عملکرد دولت تعبیر و تفسیر می‌شود. حتی در ایران، عملکرد دولت‌های خارجی و غربی نیز تعریف می‌شود. این دیدگاه باید تغییر یابد یا ظرفیت‌های آن افزایش پیدا کند.

علوم سیاسی باید از ظرفیت سیاسی خود استفاده کند و رابطه‌ای مستقیم و معنادار با فرهنگ و تمدن پیشین خود برقرار کند. علوم سیاسی باید از ظرفیت علوم دیگر نیز استفاده کند. علوم سیاسی باید نواقص خود را برطرف و عیوب خود را ترمیم و اصلاح سازد. علوم سیاسی باید از فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف بهره برده و ظرفیت خود را غنی سازد. علوم سیاسی باید از تمثیل‌ها، ایده‌ها و کلمات قصار و ... برای پرپشت کردن خود استفاده کند. در علوم سیاسی ایران هنوز تمدن‌سازی و فرهنگ‌سازی نشده است. مجموعه پندارها، گفتارها و کردارهای ناخودآگاه یک قوم را فرهنگ می‌گویند. اما تمدن مجموعه پندارها، گفتارها و کردارهای خودآگاه یک ملت است که تحت نظارت ناظران آگاه صورت می‌گیرد.

هرچه از سطح پایین به سطوح بالای علوم سیاسی برویم، به نوعی فساد و تباهی و تبانی میان استاد و دانشجو بیشتر می‌شود. یعنی به طور نانوشته‌ای یک تفاهم دو طرفه برای درس ندادن استاد و درس نخواندن شاگرد برقرار شود.

۳- سخنرانی دکتر وحید سینایی با عنوان ظرفیت‌سازی و اعتبار بخشی در علوم سیاسی



نقد و آسیب‌شناسی علوم سیاسی نباید به نفی اصل علوم سیاسی در ایران منجر شود. باید راه کارهایی برای فربه‌تر شدن و تواناتر شدن این پیکر موجود ارایه شود. استثناء نباید به جای قاعده‌ها بنشینند. ضعف‌هایی که ناشی از ذات علوم سیاسی و افراد شاغل در آن نیست. بلکه بیشتر ناشی از شرایط بیرونی است. همه ما وامدار علم سیاست هستیم و باید پاسدار اصالت آن باشیم. بنابراین، بایستی راه کارهایی برای ارتقاء جایگاه علوم سیاسی و ارتباط یافته‌های پژوهشی علم سیاست با نظام تصمیم‌گیری پیدا شود. این یافته‌ها می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند و نظام تصمیم‌گیری نیز در صد استفاده مؤثر از این یافته‌ها می‌باشند. یکی از شئون و دغدغه‌های علم امروزی کمک به بهبود و ارتقاء سطح زندگی بشر می‌باشند. بنابراین، همواره رشته‌های علمی در پی بهبود شیوه‌ها و روش‌های تأثیر گذاری بر زندگی انسان هستند.

یکی از اهداف پژوهش شناخت محیط اطراف و کنترل و مدیریت پدیده‌های پیرامونی و تجویز راه حل می‌باشد. پژوهش چیزی است و تصمیم‌گیری چیز دیگری است. این دو متمایز اما مکمل هم هستند. تمایز از آن رو که پژوهش در پی تبیین روابط بین پدیده‌هاست. اما تصمیم‌گیری در پی انتخاب یک شیوه و روش است. در پژوهش از روش قیاسی استفاده می‌شود و در تصمیم‌گیری استقرایی و تجربی است. مکمل از آن رو که پژوهشگران برای خدمتگزاری در مسیر بهبود زندگی مردم باید به مسایل خبری دسترسی داشته باشند و تصمیم‌گیران به مسایل عام (هر دو مسایل عام و خاص) دسترسی داشته باشند. بنابراین، پژوهش و تصمیم‌گیری مقوله‌های متمایز و در عین حال مکمل همدیگر هستند. با این حال، دلیلی وجود ندارد که یافته‌های پژوهشی حتماً باید مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد. در واقع، دلیلی برای این تناظر وجود ندارد. بلکه یافته‌های پژوهشی باید در چهارچوب متدلوژی قرار گیرند که برای استفاده مورد ارزیابی و محک واقع شود.

چهار متنند برای محک خوردن مجدد (تبدیل یافته‌های ناب به یافته‌های کاربردی) وجود دارد:

۱. مطالعات مقایسه‌ای با توجه به اشتراک عمده یافته‌های بشری مثل بحث خصوصی سازی و

گذار به دموکراسی

۲. مشاوره و مشارکت سازمان‌های ذی‌نفع: سند بودجه سیاسی‌ترین سند یک کشور محسوب

می‌شود. زیرا توزیع منابع، ارزش‌ها و ثروت بر اساس آن صورت می‌گیرد.

۳. مشاوره و مشارکت افراد صاحب‌نظر و مجرب و خبیر: بدون نظرخواهی از آنان امکان پیشرفت و توسعه وجود ندارد. بزرگترین مانع اصلاحات اداری در کشور مدیران اداری هستند که با تغییر و تحولات مخالف بوده و هستند.

۴. ملاحظات امنیتی و سیاسی در چهارچوب امنیت ملی کشور: یافته‌های پژوهشی باید در چهارچوب ملاحظات امنیتی و تهدیدهای موجود مورد بررسی قرار گیرند. برخی یافته‌ها بسیار علمی هستند؛ ولی دارای ملاحظات امنیتی و تهدیدهای بیکرانی برای جامعه هستند. به طور کلی، برای کمک به ارتقا جایگاه دانش سیاسی و نقش یافته‌های آن در نظام تصمیم‌گیری کشور باید همه ملاحظات پیرامونی را در نظر گرفت. زیرا صرف علمی بودن برای اجرایی شدن چیزی کفایت نمی‌کند.

توضیح دکتر نامدار درباره نظرات آقای سینایی مبنی بر این که این پیکر نحیف [علوم سیاسی] را نباید بیشتر تضعیف کرد، که آقای نامدار این بحث را تایید کرده و ایراد وی را کاملاً وارد دانستند.

آقای دکتر **تقوی** بر این باورند که در جمع خودی هر چقدر این پیکر نحیف نواخته شود، باعث تقویت بیشتر آن می‌شود. هر قدر رقابت درون گروهی در حوزه علوم سیاسی بیشتر شود، بهتر است. اگر چه ممکن است از آن به تشنت و اختلاف نظر تعبیر شود.

آقای دکتر **خلجی** در راستای جلوگیری از شیوع نظریه‌های عامیانه و توده‌پسند در حوزه علم سیاست و برای تطبیق و ترجمه و معادل‌سازی مفاهیم پایه و بومی در حوزه دانش سیاسی پیشنهاد تاسیس **فرهنگستان علوم سیاسی** را ارایه دادند.

دکتر **فرزانه پور** معتقدند که مشکل اصلی گسست نظر و عمل است. بنابراین، اگر افرادی از حوزه عمل سیاسی کشور (وزارت کشور، وزارت امور خارجه و ...) کسانی دعوت شوند تا انتظارات خود را از دانش سیاسی به صورت روشن به ما منتقل نمایند تا بدین ترتیب علل و چرایی فاصله و شکاف میان این دو عرصه روشن شود. درباره سخنان دکتر خلیلی باید گفت که مشکل اصلی در ویژه‌نگری خود سیستم و نظام آموزش و پژوهش است که به صورت متمرکز عمل می‌کنند. دکتر مهدوی‌زادگان توضیح دادند که در مباحث مطروحه به جای آن که دغدغه علم سیاست داشته باشیم، دغدغه سیاست را داریم. در واقع، مساله‌ای که گرفتار آن هستیم، مساله دانش و

قدرت است. در غرب همه چیز (معرفت، دانش، روش و ...) ذیل سیاست قرار گرفته است. در حالی که در شرق همه چیز تحت نظر معرفت قرار دارد. از حمله آنها سیاست است. در ایران دو جریان فکری غالب وجود دارد:

۱. جریان و اراده‌ای که همه چیز را ذیل سیاست می‌داند و حتی برای آن نهادسازی و تصمیم‌گیری می‌کند.

۲. جریان و اراده‌ایت که همه چیز را ذیل علم و دانش قرار می‌دهد؛ حتی سیاست را. بنابراین سیاست در ذیل معرفت، عدالت و اخلاق و ... قرار می‌گیرد.

یک نزاع شدید پنهانی - و گاه آشکار - میان این دو جریان وجود دارد که یکی از کارهای ما این است که امکان رابطه صلح‌آمیز میان این دو را مورد بررسی قرار دهیم. آقای دکتر *نامدار* گزارشی کوتاه از عملکرد انتقادی گروه علوم سیاسی شورای بررسی متون ارایه دادند.

۲۵ کتب (۱۵ درصد متون) کاملاً فاقد شاخص‌های علمی برای تدریس ارزیابی شده‌اند  
۸۲ اثر (۵۰ درصد آثار) دارای حداقل شاخص‌های علمی برای تدریس بوده‌اند.  
۵۷ متن (۳۵ درصد کتابها) دارای شاخص‌های علمی لازم برای تدریس بوده‌اند با این حال نیازمند اصلاح هستند.

بخش عمده‌ای از این آثار از سوی نهاد و سازمان‌های دولتی چاپ شده و انتشار یافته‌اند. در این میان، دکتر نقوی شاخص‌های موردنظر دکتر نامدار در مسیر ارزیابی متون را به چالش کشیدند که با توضیحات مجدد ایشان مانع شدند.

۳. سخنرانی علمی آقای دکتر *قریب* با عنوان بومی سازی و اعتبار بخشی به علوم سیاسی بومی سازی یعنی کاربرد علوم و دستاوردهای تجربی بشر برای حل مشکلات و نیازهای درونی که دائماً در بستر یک جامعه در حال پیشرفت و تغییر است. مؤلفه‌های پیشرفت در هر جامعه‌ای متفاوت است:

۱. دانش؛ ۲. کاربرد دانش؛ ۳. نوع کاربرد دانش؛ ۴. نیازمندی‌ها (رفع نیازهای جامعه).  
این مؤلفه‌ها با همدیگر رابطه طولی دارند. مساله بومی سازی صرفاً مربوط به حوزه علوم انسانی نیست و یک معضل ساختاری است که گروه‌های تجربی و فنی نیز با آن دست به گریبان هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود، مساله بومی سازی به عنوان یک پروژه علمی ملی بازنگری شود.

مرحله اول دو سال اول آموزش دانشجو: جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات روز علوم سیاسی و انتقال آنها به دانشجویان

مرحله دوم: تخصصی کردن دانشگاه‌ها و جزئی‌شدن رشته‌ها

مرحله سوم: در کارشناسی ارشد تقویت بخش روش‌شناسی دانشجویان ضرورت اصلی است.

مرحله چهارم: در دوره دکتری باید به سوی مساله محوری رفت.

اگر خروجی مسایل ما در راستای رفع نیازهای عمومی جامعه باشد، دو عنصر دانش و نحوه کاربرد آن لازم است تا محصول علمی اولیه برای رفع نیازهای عمومی جامعه بومی گردد به طور کلی، باید افراد را از سر قیف به سوی لوله و ته قیف سوق داد تا محصولات علمی و پژوهشی دقیق و شسته و رفته ارایه شود. غرب صرفاً به خاطر روشمندی در کار خود پیشرفت کرده است.

جمع‌بندی دکتر نامدار از سخنان دکتر قریب:

۱. سطح‌بندی دانشگاه‌ها از جنبه گرایشی ۲. عمومی کردن دو سال اول کارشناسی و سپس تخصصی کردن مباحث ۳. روش‌شناسی در کارشناسی ارشد و ۴. مساله محوری در دوره دکتری.

### جمع‌بندی پایانی دکتر نامدار از مباحث نشست تخصصی

۱. همگان به ضرورت تحولات در برابر معضلات و مشکلات موجود تاکید دارند.
۲. مشکل اصلی در تجویز و نسخه‌ای است که برای این معضلات و مشکلات پیچیده می‌شود. یعنی از کاربرد دانش تا نتیجه نهایی آن.
۳. تا مرحله دانش هیچ کاری وجود ندارد و نباید روی آن مکث کرد.
۴. جریان علمی از بالا راه نمی‌افتد و باید از پایین جوشش و غلیان پیدا کند.
۵. بحث شناور شدن مباحث دوره‌های کارشناسی بحث بسیار خوبی است و باید روی آن کار شود.
۶. تاسیس فرهنگستان علوم سیاسی برای تبیین مفاهیم پایه (به طور کلی فرهنگستان علوم انسانی)
۷. تاسیس شهرک‌های تحقیقاتی در حوزه علوم سیاسی و به طور کلی علوم انسانی
۸. تخصصی کردن دوره‌های تحصیلات تکمیلی

۹. بومی سازی به مبنای آن است که دانش باید به کاربردی تبدیل شود و از درون آن مساله و نیازهای ما برطرف شود. اسلامی شدن یعنی بومی شدن و بومی شدن یعنی رفع نیازهای بومی کشور از طریق کاربردی شدن دانشن تا نیازهای عینی جامعه برطرف شود. دکتر خلیلی: واژه بومی سازی ابهت دارد اما وجاهت ندارد. فقط تشخیص درد چاره ساز نیست. بلکه از یک حایی باید به معالجه و درمان پرداخت. بنابراین نیاز به مطلقیت و هژمونی و آمرانگی وجود دارد. دکتر خلیجی در پایان پیشنهاد نمودند، یک همایش نیمروزه برای ادامه این مباحث در سطح دانشجویان دانشگاههای تهران برگزار شود تا بحث فراگیر و عمومی شود.

